PM000167

جمهوری اسلامی

مقالات

صفحه ۱۵
پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۷۶
۲۶ رجب ۱۴۱۸ـ شماره ۵۳۵۶ـ سال نوزدهم

تعابیر رسای آیت‌الله حسن‌زاده آملی درباره رهبر معظم انقلاب

مدتی گذشته مناسبت سالروز ولادت حضرت بانوی بزرگ دو عالم حضرت زهرا سلام الله علیها کنگره‌ای در شهرستان ساری برگزار شد که طی آن رساله ارزشمندی از شیخ آیت‌الله حسن زاده آملی ارائه شد.

در مقدمه این رساله تعابیری رسا و بلیغ از رهبر معظم انقلاب نام برده شده که یکی از شرکت کنندگان در این کنگره دست نوشته این رساله را که به خط آقای حسن زاده آملی می‌باشد به روزنامه ارسال کرده‌اند. متن این نامه دست نوشته به شرح ذیل است:

بسمه تعالی

چندی قبل نخستین کنگره تحلیل و تکریم از حضرت فاطمه(س) در ساری برگزار گردید. در این کنگره رساله‌ای تحت عنوان «نفس حکمة حسینیه فی لمعة فاطمیه» توسط خادم نیامی دوران، فقیه عظیم‌الشان، علامه ذوالفنون حضرت آیت الله حسن زاده آملی به رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای تقدیم می‌گردد همانگونه که ملاحظه می‌فرمائید این حکیم متأله نسبت به ساحت مقدس مقام منیع و شامخ ولایت فقیه تعابیری نظیر (... آیت‌الله معظم خامنه‌ای کبیر... قائد ولی ولی... و زائد سائلی حق...) بکار برده‌اند که نشانه عظمت شخصیت رهبر فرزانه‌مان ولی امر مسلمین میباشد که از قلم یکی از فرزانگان آیت نگاشته شده است.

نگاهی به رنجنامه امام خمینی

انتشار «رنجنامه» مورخه ۶۸/۱/۶ امام خمینی، بار دیگر خلوص و ایمان آن حضرت را که توأم با هوشیاری و دوراندیشی بود، برهمگان به نمایش گذاشت. است شهیدپرور که به خوبی امام و رهبرش را شناخته و از عمق جان شیفته او بود و بارها ارادت خود را در صحنه‌های مختلف با بذل جان و مال و عزیزان به اثبات رسانده و برای تداوم راهش با او میثاق خون بسته بود، برای بار چندم صلابت و اقتدار اورا در اوج تسقوا و خداترسی مشاهده کرد. حقیقت اینستکه مردم«امامشان» را باور کرده بودند.«باور» به معنای حقیقی کلمه، حتی بیشتر از کسانی که سالها زانوی شاگردی در مقابل آن حضرت به زمین زده بودند، اما به علل گوناگون در میانه راه ازدفاقه خمینی» عقب ماندند و حتی برخی«خسرالدنیا و الاخره» شدند.

اگر به دل مردم مراجعه کنیم، آنان فقط خواستار پیاده شدن دیدگاههای امام «رجامعه بودند ویس: مسئولان و دست اندرکاران نیز به میزان اطمینان از امام نیز مردم [illegible] اسلام و آزادی نظام اسلامی [illegible] در حوادث بیشتر به مانع گروهی و جناحی می‌اندیشند تا مصالح دین و دنیای مردم) شخصیتها را بنام«امام» سخنگو می‌زدند. امامی که در طی دهها سال امتحان خلوص و ایمان و خداباوری و خداترسی را پس داده بود و هیچگونه شائبه ریا و یا قدرت طلبی در او متصور نبود، به طوری که دشمنانش نیز بدان معترف بودند.

توده‌های میلیونی مردم بی سادگی به کسی ایمان نمی آورند و جان و مال خود را فدای راه و رسم او نمی‌کنند. تنها خداوند این محبت و عشق به امام را به دل مردم افکند. اگر آن حضرت«مرد خدا» نبود، بروز این همه عشق خالصانه ممکن نبود. آنچه در این بخش اهمیت دارد ضربه‌ای است که از این رهگذر برپیکر دین و اعتقادات مردم، وارد می‌شود.

امام هوشیار و دور اندیش بارها و بارها اورا به پاک کردن«بیت» و«دور نمودن افراد منحرف و نالایم» پیم داد، اماساده لوحی و ساده اندیشی، از یکطرف و«لجاجت» از طرف دیگر مانع ازپذیرش آن فرموده بودند. آن حضرت در سال ۶۲ و با ارسال پیامی به مجلس خبرگان با عبارت«الله الله» در انتخاب اصحاب خود» اولین هشدار را دادند. در سال ۶۳ و در وصیت نامه خویش مراقبت از بیت را به رهبری آینده گوشزد کرد و مشخص بود که در آن زمان مخاطب آن حضرت چه کسی بود.

در سال ۶۵ خطاب به وی فرمودند:«شما باید اطلاعیه بدهید که مهدی هاشمی با من هیچ ارتباطی ندارد و کارهایش مورد تأیید من نیست و رفت و آمد او را به بیت خودتان ممنوع کنید»

در مهر ماه ۶۵ طی نامه‌ای به وی اظهار داشتند:«آنچه مسلم است و مایه تأسف، حسن ظن جنابعالی به اعمال و اقمال و گفته‌ها و نوشته هاست که به مجرد وصول، شما ترتیب اثر می دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید... آزادی بی رویه چند صد منافق به دستور هیتلی که وقت قلب و حسن ظنشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدیها را بالا برده است.»

و علاوه بر سخنان متعددی که روی سخنشان با کسی بود که بیت او محل تجمع منافقان و ملی گرایان لیبرال گردیده بود، بالاخره پس از چند سال تلاش، وی را عزل و طرد نمودند.

بر شمردن ضربهایی که«دین و روحانیت» از نفوذ افراد«جاه طلب» و یاه‌لفزش افراد ساده لوح» در«بیوت» متحمل شده است، این نوشته را از حد متعارف خارج می‌کند. اسناد سازمانهای جاسوسی و نیز ساواک می تواند پاره‌ای از این موارد را بر ملا سازد.

«سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم جانب آنکه، غالباً افرادی که «داعیه‌های بزرگ» داشته‌اند، از اداره یک «بیت» عاجزند، چه رسد به اداره شئون مسلمین و جامعه اسلامی.

امام راحل باکمال بزرگواری فرصتهای زیادی را در اختیار وی قرار دادند تا هم «بیت» را از افراد منحرف پاک کند و هم اشتباهات گذشته را جبران نماید. اما افسوس که شایستگی این بزرگواری را نداشت و به جای آنکه قدردان «عاکوی آن استاد فرزانه باشد و از «فرصت دوباره» و به تعبیر دقیقتر «عمر دوباره» ای که بدستش آمده، استفاده کند، هم خود را ضایع ساخت و هم منشاء گرفتاری برای جامعه گردید.

ب) «از آنجا که سادگی هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد»

ورود به مسائل سیاسی و اجتماعی محتاج هوش و ذکاوت سیاسی است. بدون شک بسیاری از افراد و شخصیتهای از نبوغ ذاتی ولی [illegible] آنان، [illegible] تربیتی و تجربت از [illegible] انقلاب [illegible] کیاسی که علی‌رغم عدم توانائی خود را توانا می‌پندارند و در واقع در چهل مرکب سست می‌برند. همواره مشکل آفرینند. کسی که توطئه‌های استکبار جهانی را در دشمنی با انقلاب نوپای ما نادیده بگیرد و همه تارسائیها و خطاها را به رهبران و مسئولان مستند سازد و آن را هم با بوق و کرنا اعلان کند.

کسی که با وجود رهبری حکیم همچون امام خمینی...که همه حوادث و وقایع را زیر نظر داشت و به اعتراف دوست و دشمن رهبری بی‌نظیر او مهمترین عامل پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی بود.در همه امور ریز و درشت دخالت کند، برای انتخاب وزیر و معاون و مدیر کل گرفته تا استاندار و فرماندار، مسئولان را تحت فشار قرار دهد، صدا وسیما را در شرایط دشوار جنگ بخاطر پخش نکردن مشروح سخنانش به سانسور متهم کند.

به توصیه‌های رهبر جامعه و ولی‌فقیه شرعی و قانونی بی اعتنایی نماید، و دهها نمونه دیگر، چگونه می‌تواند در دنیای پیچیده امروز حوادث و وقایع سیاسی را به خوبی تجزیه و تحلیل نموده. در موضعگیری سیاسی نماید. خداوند بردرجات امام بزرگوار بیفزاید که مردم و کشور را از شر رهبری چنین فردی که حتی اختیار اطرافیان خود را ندارد، نجات داد. (مهدی هاشمی معدوم بخشی از اعمال خود و همفکرانش راکه با فریبکاری انجام داده‌اند و کمال سوء استفاده را از موقعیت قائم مقامی رهبری نمودند، افشاء کرد. ای کاش سیمای جمهوری اسلامی بار دیگر صاحبه‌های او را در اختیار افکار عمومی قرار دهد.)

ج) «دیگرنبرای من نامه ینویسید و نه اجازه دهید منافقین هرچه اسرار مملکت است به رادیوهای بیگانه دهند»

«آن خیانت» این فرد سادەلوح و فریب خورده آن هم در سالهای آخر دفاع مقدس مردم و هنگامی که جوانان پاک و معصوم این مردم در میادین خون و شهادت به جهاد و مبارزه مشغول بودند و برای اعلام جانفشانی می‌کردند. «دادن اسرار نظام به استکبار» بود. که هم از طریق «عوامل نفوذی منافقین و لیبرالها در بیت» صورت گرفت هم از طریق «ارتباط بعضی از افراد بیت با بیگانگان در خارج از کشور» وهم از طریق سخنرانیها و در کمال ساده‌لوحی.

راستی اگر فردی «اسرار نظام» را، آن هم در زمان جنگ در اختیار دشمن قرار دهد، در همه حکومتهای جهان حتی «مکرات‌ترین آنها، چه بخردی و یا می‌کند؟ آیا او را به اشد مجازات نمی‌رسانند؟ و آیا برخورد بزرگوارانه امام فقیه و نظام‌اسلامی و توام با رحمت و رافت، انتظار می‌کند که هر از چندگاهی مقدسات مردم ومبانی نظام را زیر سئوال ببرند؟

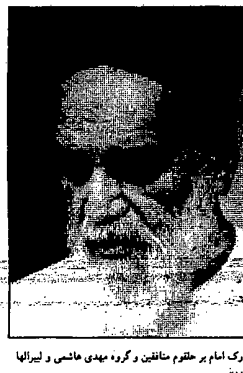

مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد!

نقش اطرافیان در«بیوت» غالباً مشکل آفرین است. بخصوص اگر«صاحب البیت»، خود دنیا طلب یا ساده لوح و زود باور باشد.افرادی به طمع برخورداری از«مقام» و موقعیت و امکانات» نفوذ می کنند و گاهی هم افراد سالم، ولی کم ظرفیت، هنگام مشاهده«پول و امکانات» لغزیده و مشکل آفرینند. آنچه در این بخش اهمیت دارد ضربه‌ای است که از این رهگذر برپیکر دین و اعتقادات مردم» وارد می شود.

امام هوشیار و دور اندیش بارها و بارها اورا به پاک کردن«بیت» و«دور نمودن افراد منحرف و نالایم» پیم داد، اماساده لوحی و ساده اندیشی، از یکطرف و«لجاجت» از طرف دیگر مانع ازپذیرش آن فرموده بودند. آن حضرت در سال ۶۲ و با ارسال پیامی به مجلس خبرگان با عبارت«الله الله» در انتخاب اصحاب خود» اولین هشدار را دادند. در سال ۶۳ و در وصیت نامه خویش مراقبت از بیت را به رهبری آینده گوشزد کرد و مشخص بود که در آن زمان مخاطب آن حضرت چه کسی بود.

در سال ۶۵ خطاب به وی فرمودند:«شما باید اطلاعیه بدهید که مهدی هاشمی با من هیچ ارتباطی ندارد و کارهایش مورد تأیید من نیست و رفت و آمد او را به بیت خودتان ممنوع کنید»

در مهر ماه ۶۵ طی نامه‌ای به وی اظهار داشتند:«آنچه مسلم است و مایه تأسف، حسن ظن جنابعالی به اعمال و اقمال و گفته‌ها و نوشته هاست که به مجرد وصول، شما ترتیب اثر می دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید... آزادی بی رویه چند صد منافق به دستور هیتلی که وقت قلب و حسن ظنشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدیها را بالا برده است.»

و علاوه بر سخنان متعددی که روی سخنشان با کسی بود که بیت او محل تجمع منافقان و ملی گرایان لیبرال گردیده بود، بالاخره پس از چند سال تلاش، وی را عزل و طرد نمودند.

بر شمردن ضربهایی که«دین و روحانیت» از نفوذ افراد«جاه طلب» و یاه‌لفزش افراد ساده لوح» در«بیوت» متحمل شده است، این نوشته را از حد متعارف خارج می‌کند. اسناد سازمانهای جاسوسی و نیز ساواک می تواند پاره‌ای از این موارد را بر ملا سازد.

چگونه می‌توان دانش آموزان را به فراگیری درس شیمی ترغیب کرد؟

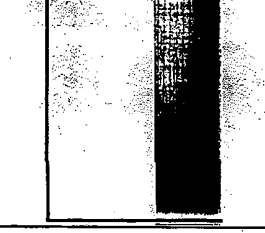

گریبه انسان در روند روبه گسترش زندگی در مراحل اولیه به کارگیری چنبه های علم شیمی به آسمگی گام برمی دارد اما باگذشت زمان، این مسیر را با شتاب روزافزونی می پیماید.

سیر تکاملی علم شیمی از آغاز پیدایی تا عصر حاضر و از پیمایش کیمیاگری تاانتقال کیمیاگری به تمدن اسلامی، از کمک آن به پزشکی و کشف پدیده‌های مهم تا کشف گیازهای سمرب اعصاب و نقش شیمی در زندگی بشر و رفع نیازهای مادی چامعتر قبل تهیه مواد غذایی، پزشکی، نمدانگر تکاوری بی وقفه دانشمندان در برآوردن نیازهای اساسی بشری و تلاش پیوسته آنها در این راستا می باشد.

به موازات این پیشرفت در جهان متمرقی امروزی نمی توان به دیگران گفت که چرا پیشرفته هستند بلکه باید خودمان قوی و زورمند باشیم، نمی توان به دیگران گفت که چرا خود را بزرگ می بینند بلکه ما هم رعظیمه پیشرفتی و دلایمن هستیم. بزرگی و قدرتمندی شایسته ماست.

عامل نوآوری، گنج دلایمی است که مطیها دراندیدی اقتصادی و نظامی خود را بر پایه آن استوار می کنند. انسانهای بزرگ شگفتیها، حوادث و تکنولوژی می آفریند. آنان که دیدهٔ خدایین و دل حقیقت‌بالب دارند دست توانای پروردگار را در مهندسی خلقت آشکارا می بینند. برای نیل به هدف جامعیت بخشیدن به شیمی در میان دانش آموزان قوی سوادو ذیل ضروری به نظر می رسد.

۱. شفقت کامپیوتر در آموزش شیمی، کاربرد فیلم‌های آموزشی و اسلایدهای علمی و نیز طرح روش پژوهش در یک مسئله علمی.

۲. تجهیز آزمایشگاهها به وسایل کامل و پیچیده علمی

۳. کاربرد مدرسه به عنوان ابزار آموزشی موثر در ایجاد انگیزه در دانش آموزان

۴. انجام آزمایشهای ساده در کلاس و نوشتن واکنش ها و دلائل لازم روی تخته سیاه و ثبت مشاهدات علمی توسط دانش‌آموزان.

۵. بازدید دبیران شیمی از مراکز صنعتی مناسب به منظور ارتقاء دانش علمی و افزایش تجاربه.

۶. بازآموزی مستمر دبیران توسط اداره علمی جدیت مدوع

۷. معرفی کتابهای خوب جهت مطالعه جنبی و افزایش معلومات در طرف دبیران به دانش‌آموزان.

۸. تأکید بر موضوعات شیمی کاربردی و مستقی بودن شیمی دبیرستان و مراکز پیش دانشگاهی بر شیمی در جامعه

۹. مشارکت در دایر کردن نمایشگاههای علمی به کمک دانش‌پژوهان.

۱۰. تشویق دانش‌آموزان جهت ساخت وسایل و ابزارهای هر چند ساده آزمایشگاهی و نیز مدهای مراکزدن ده.

۱۱. برنامه‌ریزی جهت بازدید از مراکزی که به نحوی در رابطه با علم شیمی است.

۱۲. تشکیل موزکوره‌های علمی و بحث و گفتگو پیرامون موضوعات علمی کتاب و رفع اشکال احتمالی آنها

۱۳. تشکیل مسابقات علمی در درس شیمی میان دانش‌آموزان یک مؤسسه علمی و یا تمیم آن در میان چند مؤسسه به منظور ایجاد رقابت سالم و پیشرفت علمی بیشتر و بهتر و نیل به هدف آموزشی ایده‌آل.

تحلیل سیاسی هفته

خمینی، پیسجی اول

بقیه از صفحه اول

عید سعید مبعث، سالروز بعثت پیامبر خاتم حضرت محمدمصطفی صلی‌الله علیه‌وآله و هفته بسیج، از افتخارت و اعتبار ویژه‌ای برخوردار است.

اینتخار بزرگ ملت سلحشور ایران اینست که صحب اهل بیت عصمت و طهارت است و در پیرگ اهل بیت سوگمند و در شادی آنها، شادمان است. این ورحیه و رویهٔ «صبغة‌الله» و «ینبغی لی‌الله» برای ملت ما یک «فورمتگ» است که دوستدار دوستان اهل بیت و دشمن دشمنان خدا باشد. ما در مکتب اهل بیت و به تبع دستورات الهی آموختهایم که پیامبر دایروانش و پیروانش دوبرخورد با دشمنان اسلام با شدت برخورد می‌کنند و در میان خود و در مواردات فیمابین، با اتس و الفت و رحمت و گذشت با یکدیگر، زیدایفی صمیمانه و محبت‌آمیز دارند.

تکرار و تذکر این اصول در فرصتها و تنابستهای مختلف، باعث فراهم شدن روحیهٔ شاسیی نزد محبین اهل بیت شده است که بسوجب آن، با خودیها بارمش و محبت دیا دشمنان وکینه‌توزان، برخوردی جدی قطعی باشند.

این هفته بمناسبت تقارن با سالروز تشکیل «بسج مستضعفین» فرصتی برای ارزیگذاری و تحلیل از بسیج نیز فراهم آمد. فرامرش نکنیم که بسیج و بسیجی‌ها و فرهنگ بسیجی، براین ملت و بر این کشور حق حیات دارند. این رشادتهای قهرمانان گمنام بسیجی در جبهه‌ها نزد که ماشین جنگی ارتش متجاوز عراق را در هم شکست و آنهمه خسارت بشدیدترین انسانیت از جنایتهای را عظیم ساخت و شرایطی را بوجود آورد که علیرغم برتری دشمن وامکاناتش از نظر تجهیزات و جنگ‌افزار، باز هم این طایفهٔ انسانهای آزاده بتوده که پیروز شد و سرنوشت جنگ را بسود جبههٔ اسلام رقم زد.

اگر انقلاب ونظام و کشور از نعمت وجود بسیجی‌های مخلص و جان بر کف محروم بود، به یساکه سرنوشت امروز ما بسیار متفاوت با شرایط کنونی می‌بود و شاید اثرگی از انقلاب و حاکمیت اسلام و حتی از استقلال و آزادی از تمامیت ارضی کشورما هم در میان نبود و تردیدی آنرکه کار دوم ایشه‌ها ماموز آنرا آن بود، منطق منتقد و لیبن سرزمین اسلامی، به قول فشمان اشاشت می‌کرد آنه.

عزت واقتدار امروز انقلاب و نظام و کشور، مرهون رادمردیها و روحیهٔ شهادت طلبانهٔ بسیجی‌های تنفسی است که پیشتاز صحنه‌های دفاع از جبههٔ حق‌ها شدند. بلند آوازهٔ سلحشوران عقیده کردند و پیروزی نهایی حق را با خون خویش تضمین کردند. البته بسیج فقط یک شاران‌ها و تشکیلات نیست بلکه یک فرهنگ است و بدون این فرهنگ، بسیج محتوایی می‌شوند. امام بارها تصریح می‌کردند که بسیج یک فرهنگ است.

یک تشکیلات بزرگ نیز کشور از نعمت وجود بسیجی‌ها، برخوردار است. یکنه بالب اینکه امام همیشه شخص نکرده افتخارات خود را فهرست کند و حتی دیگران را تاریخ کلن بازنویسی دست ابا به دکه [illegible] اینکه بسیجی است، و نیز آنکه [illegible] کند که در تمامی [illegible] و [illegible] دارد و درک [illegible] آنها [illegible] در واقع خمینی، آن «بسیجی اول» و [illegible] بود.

دشمنان انسانیت گذاشت، رهروان فراوانی به او پیوستند اما رژیم شیطانی، جمع یاوران خمینی را به قتل وعام وزندان و شکنجه و تبعید. ازهم گسیخت ولی آن «بسیجی اول» همچنان تلاش کرد تا پس از فریب دو دهه تلاش وخون دل خوردن توانست نیروهای بیشتری را به گرد شمع وجودش «بسیج» کند و آنها را برای مقابله با رژیم ستمشاهی به قیام و خشم و خروش دعوت کند وسرانجام نیز با بسیج محرومین و مستضعفین شلاق خوردهٔ تاریخ معاصر، انقلاب اسلامی را به پیروزی برساند.

بسیج به‌این ترتیب حتی قبل از پیروزی انقلاب، اگر چه نه به این عنوان، اما بهرحال بعنوان جمع نیروهای تازه‌نفس و مشتاق سرفرازی اسلام که حاضرند تمام وجود خود را در راه اسلام وانقلاب و کشور هدیه کنند، وجود داشت و برکات خویش را در همه جا و برای همه، نمایش گذاشت. معنی صریح این عبارت اینست که «بسیج، تاریخ مصرف ندارد». هر روز در هر میدانی، فرصتی برای گسترشدهانی و جانفشانی بسیج وجود دارد و این شاید ترسناکی از آن کلام محصور(ع) باشد که «کل یوم‌هاشورا و کل ارض کربلا» یعنی که اگرامل جانفشانی در راه اسلام هستی، همیشه فرصتی برای پیوستن به خیل یاوران اهل‌بیت وجود دارد.

امروز، اگرچه بسیجی‌ها و رزمندگان اسلام با جانفشانیهای خود، مرزهای چغرافیائی کشور را بسه گرده‌اند و دشمنان انقلاب را از تهاجم نظامی پشیمان نموده‌اند لکن انقلاب و نظام هنوز هم به حضور فرصتهای بسیج [illegible] دفاع از اصول و آرمانهای انقلاب می‌پردازد. طلاءدار صحنه‌های دفاع از اصول و آرمانهای انقلاب، مرد و مست و همچنان خواهد بود. همین ضرورت بسیج نیروهاست که دشمنان را از توطئه مایوس می‌کند واگرگستاخانی هم وجود داشته که وارد عمل شدند، باز هم این «قابلیت‌های خودجوش بسیج» است که به یاری انقلاب می‌شتابد و نظام را در برابر تهاجم فرهنگی سیاسی دشمنان پیسه می‌کند.

این روزها طرفیت خودجوش بسیج نیروهای انقلاب یک بار دیگر در صحنهٔ دفاع از آرمانهای انقلاب، خود را در میدان عمل نشان داد و در مقیاس وسیعی ثابت کرد که این انقلاب، از امواج زهرآگین توطئه‌ها و دسیسه‌ها و ملت بلاهوشمندی خاص خود، هراسناک است، خطرکند. همچنان در صحنه است.

آنچه در این میان اهمیت دارد، حفظ دستاوردهای انقلاب و حفظ آرمانها و ارزشها گرانقدر امام راحل است که قانون اساسی، اصلی‌ترین تبلور آنست و جدی‌ترین سرفصل قانون اساسی، یعنی «ولایت فقیه» در واقع بمنزلهٔ تبلور امام راحل و امروز حق شهدای انقلاب است.

امروز دیگر ولایت فقیه فقط بعنوان یک اصل مترقی در پنجگر [illegible] نظام جمهوری اسلامی و تعیین کنندهٔ ساختار سیاسی نظام تلقی میشود و جزء «تبرزی اساسی و نظام و قانون اساسی محسوب می‌گردد. فراموش نکنیم که انقلاب ما دشمنان متعدد و فراوانی دارد که بارها از اسلام سیاسی خورده‌اند و تجربه برای مقابله با نهضت، بیشتر تلاش کرده‌اند. کمتر نتیجه گرفته‌اند. البته آنها هنوز هم کاملا مایوس نشده‌اند و بهرضورت ممکن سعی دارند که بازهم شانس خود را امتحان کنند. هر لحظهٔ نازائی که در اینجا ساز شود، یقیناً دشمنان را تشویق می‌کند تا آنها را وسوسه کنند و امیدوار می‌سازد تا بلکه بتوانند شکستهای نشستر خود را در قبال ایران جبران کنند.

تمامی تلاشها و قرائن حرجه دشمنان میدهد که این انقلاب، دیگر از طریق تهاجم نظامی در معرض تهدید نیست و نخواهد بود. حتی از گروهکها و معاندین هم که در جبههٔ مقابل قرار گرفته‌اند. کاری ساخته نیست لکن مهم اینست که انقلاب و نیروهایش بتوانند «وحدت صفوف» و «وحدت کلمه» خود را حفظ کنند واقتدار نظام را در هر صحنه‌ای، با حرکت یکپارچه و مراضع روشن و متین حفظ کنند. ثبات نمایند. طبعاً در اینصورت هیچ نیروئی نمی‌تواند گزندی به اقتدار و ثبات نظام وارد کند.

خوشبختانه ملت ونیروهای انقلاب در این مقطع حساس هم یکبار دیگر هوشمندی و صلابت رأی خود را نشان دادند و در میدان عمل ثابت کردند از انقلاب که خودشان آنرا بوجود آورده‌اند، از صمیم قلب حمایت می‌کنند. البته از ملت، جزاین هم انتظار دیگری نمی‌رفت اما لازمست این نکته درسی برای دشمنان اسلام باشد و آنها برای درک واقعیت‌های عینی و ملموس، استعدادهای خود را بکارگیرند.

ایران علیرغم تولید بالای سنگ در بازار صادرات جایگاهی ندارد

خیرگزاری جمهوری اسلامی: مدیرکل مصالح ساختمانی وزارت معادن وفلزات اعلام کرد: از آغاز دومین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۶) تا پایان نیمه نخست سال جاری بیش از ۳۶۰ هزار تن سنگ تزئینی وتنها به ارزش ۷۷/۲ میلیون دلار به خارج از کشور صادر شد.

مهندس عزیز میرزائیان دیروز در حاشیه برگزاری دومین نمایشگاه تخصصی سنگهای تزئینی وتنها در مرکز تحقیقات ساختمان ومسکن به خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: در سالهای ۷۳و۷۴ بیش از ۲۱۶ هزار تن سنگ تزئینی و تنها به ارزش ۵۵ میلیون دلار صادر شد.

وی اضافه کرد: در نیمه نخست امسال ۷۵/۲ هزار تن سنگ تزئینی و تنها به ارزش ۱۶ میلیون دلار صادر شد که ازنظر وزن وارزش نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ترتیب ۱۷/۴ و ۱۶ درصد رشد داشت.

وی به‌پیامی نمایشگاههای سنگ را زمینه‌ای برای شناخت ترانسدهای کشور ذکر کرد و گفت: باید تلاش کرد سنگهای استخراج شده از معادن کشور پس از فرآوری در داخل، صادر شوند.

میرزائیان دست نیافتن سنگ ایران به جایگاه مناسب در بازارهای بین‌المللی را یک خلاء ذکر کرد و گفت: تمام دستگاههای اجرایی باید با هماهنگی در جهت رفع این نقیصه، تلاش کنند.

وی اضافه کرد: بررسی صادرات، واردات، تولید ومصرف کشورهای عمده تولید کننده سنگ در سال ۱۹۹۳ میلادی نشان می‌دهد، میزان صادرات سنگ ایتالیا دراین سال به ۵۰ درصد تولید آن بالغ شد. همچنین اسپانیا و چین به ترتیب ۳۰ درصد و ۶۰ درصد سنگهای تولیدی خود را صادر کردند.

میرزائیان گفت: این کشورها با واردات سنگ از کشورهای درحال توسعه نیاز بازار داخلی خود را تامین کردند و تولیدات خصوه را برای به دست آوردن ارزش افزوده بیشتر صادر نمودند.

وی خاطرنشان ساخت: ایران در سال ۱۹۹۳ میلادی فقط نیاز بازار داخل به سنگ راتامین کرد و واردات سنگ ازخارج انجام نشد. اما با داشتن تولید بالا، در آمار صادرکنندگان عمده سنگ جهان، جایگاهی نداشت.

گرسنگ از این حدیث بنالد عجب مدار!

* حکایت تأثرانگیز مادری که قربانی نوزادش شد

پاهای آبان ماه وزیدن گرفته بود. دانه‌های برف، گنبدهای سبزدنزتی زمین را سفیدتر می‌کرد. روستای «کاوه» از بخش «بیلدره» شهر «نورو» همچنان در تلاش عجیب افتاده است.

□ □

زنگ چهارم نواخته شد. دو دوجان زینب طول کرد روستای کام «خانه بهداشت» نداشت. اطرافیان برای انتقال او به بیمارستان مرکز بخش به تکاپو افتادند. نگرانی همه‌این بود که چطورپود از کدام راه اوتباطی این بانوی‌ذودمند را به مرکز بخش «بلده» برسانند؟ همچکس از پیاده نبرد؛ بود که سال پیش‌بعضی از مردم روستای میباور، چطور و چه بایست هم اتفاقهایی عاقبت نگذاشتند راه‌ارتباطی روستای «کاوه به‌مرکز بخش «بیلده» از محل آنها بگذرد و از مسئولین و مخصوصا نماینده منطقه در مجلس سی‌پرسم که تاوان خون این بانوی بی‌گناه و چه کسی باید پس بدهد؟

ع ـ رحمانیان

مهربان، همچگاه «روزنامه‌ور تجربه نخواهدکرد و اشتب قربانی هم احداث گردیده بود. کار ناتقن، و ناتمام ماند و هم سکته‌ای از اول پیالیز مردم روستا دست روی دست می‌زدند که کی زینب دادمسا برسید. تکفدیرید کار به «فاجعه» بکشد. وحالا فاجعه. گریبانگیر مادر ۱۸ ساله‌ای شده بود که اهل روستای «کاوه بود وبی‌خواست نوزادی به دنیا آورد.

«راه، حسب‌الامور و برنگیر و گرسنگی بود.سرمای پائیزی بیداد می‌کرد و یاد مثل مکرری که تاز‌یانه بدست گرفته باشد صورت گرسنگان را می‌نواخت.

سایه‌های امید، ونگرانی در چهره‌ز«زینب» موج می‌زد او باید برای رسیدن به بلده ـ که مرکز بخش بود و امکانات درمانی داشت ـ خاصه روستای «کاوه» تا «بیلـه» را پیاده‌طی کند و چه عذاب [illegible] تلاش برای مادری [illegible] و لبخند راضی [illegible] می‌شد و حالا...

بگذریم؛ واقعه در همین اعتبارش در سفر مقام رهبری به مازندران تامین شده بود و با آن فاصله اتفاق افتاد. بانوی گرامی روستا خانم «زینب نوروکامی» به طرز تاسف‌انگیزی در بین راه جان سپرد و کودکی نوزادش شد. اهالی روستا فردا صبح وقتی خبرحادثه را شنیدند به تباهی گریستند و زنها ومادران بیشتر!

این اولین حادثه‌ای نبود که از این دست اتفاق می‌افتاد و شاید آخرین آن هم نباشد!

احتمالاً شما خواننده عزیز هم مثل مردم روستای کام یا خواننده ایسن سطرها متاسف شوید ویپرسید که واقعی چرا در این روزگار که اسمش «عصر ارتباطات» است باید شاهد یا شنونده واقعه تاسف باری مثل این باشید!!

من از بخشی اهالی روستای همسایه که با مانع تراشی‌های مکرر نگذاشتند راه ارتباطی ما به مرکز بخش از محل آنها بگذرد و از مسئولین و مخصوصا نماینده منطقه در مجلس می‌پرسم که تاوان خون این بانوی بی‌گناه و چه کسی باید پس بدهد؟

ع ـ رحمانیان